

زنان در قانون اساسی جمهوری

سوسیالیستی نوین ایران

(پیشنویس پیشنهادی)

A ROMPER TODAS LAS CADENAS!

Desencadenar la furia de la mujer  
como una fuerza poderosa para la

زنجیرها را بکسیم! خشم زنان را بمثابه نیروئی قدرتمند برای

انقلاب رها کنیم!

BREAK ALL THE CHAINS!

Unleash the Fury of Women as a Mighty Force

REVOLUCIÓN

REVOLUTION

انقلاب

REVOLUTION

انقلاب

REVOLUTION

~~انقلاب~~  
~~انقلاب~~  
~~انقلاب~~

خشم زنان

~~خشم زنان~~  
~~انقلاب~~



# زنان

در

قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین ایران

(پیشنویس پیشنهادی)

انتشارات حزب کمونیست ایران (مارکسیست لنینیست مائوئیست)

زمستان ۱۳۹۹

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن، بخش‌های مربوط به زنان و مسائل زنان در سند قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین ایران (پیشنویس پیشنهادی) را گزیده کرده و منتشر می‌کنیم. در مواردی توضیحات تشریحی که به روشن‌تر شدن موضوع و مساله یاری می‌رساند را نیز افزودیم. شماره صفحات مربوط به هر بخش داخل پرانتز آمده است و از سند اصلی قانون اساسی است.

جمهوری سوسیالیستی نوین ایران که پس از سرنگونی دولت و رژیم جمهوری اسلامی تأسیس شده است، به لحاظ خصلت و ماهیت طبقاتی، درست نقطه مقابل دولت کهنه و رژیم آن است. جمهوری اسلامی، دولت طبقه سرمایه‌داران و وابسته به نظام سرمایه‌داری امپریالیستی بود و منافع گروه کوچکی از استثمارگران حاکم در ایران و جهان را برآورده و تقویت می‌کرد. اما جمهوری سوسیالیستی نوین ایران، منافع طبقه پرولتاریا و دیگر قشرهای تحت ستم و استثمار مانند ملل تحت ستم و زنان و به طور کلی اکثریت مردم را نمایندگی کرده و به آنان خدمت می‌کند تا مطابق منافع اساسی‌شان نقش گسترده‌ای در اعمال قدرت سیاسی و اداره جامعه طبق اصول جامعه سوسیالیستی داشته باشند و با اراده و آگاهی هرچه بیشتر به سمت ریشه‌کن کردن کلیه روابط استثمارگرانه و ستم‌گرانه در ایران و استقرار نظام کمونیستی در سراسر جهان حرکت کنند. (ص ۳۹ و ۴۰)

ستم بر زن، هزاران سال پیش همراه با ظهور تمایزات طبقاتی و روابط استثمارگرانه در میان انسان‌ها به ظهور رسید و تا به امروز تداوم یافته و یکی از شاخص‌های دولت حاکم در دولت و رژیم پیشین بود. قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین ایران، برابری قانونی کامل میان زن و مرد را تضمین کرده است. این دولت همچنین سیاست‌های مستمری برای ریشه‌کن کردن ستم بر زن در همه اشکال سنتی یا مدرن آن، در کلیه عرصه‌ها و سطوح جامعه و در جهت برهم زدن نقش و تقسیم کارهای جنسیتی دارد. دولت سوسیالیستی، به زنان قدرت می‌دهد تا به اندازه مردان در هر جنبه از مبارزه برای دگرگون کردن جامعه و جهان، برای ریشه کردن و محو کلیه روابط ستم و استثمار و به طور کلی رهایی بشریت، آگاهانه دخالتگری کنند (ص ۴۴ و ۴۵)

جمهوری سوسیالیستی نوین ایران بعد از سرنگونی دولت موجود تشکیل می‌شود... پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، شورای حکومت موقت توسط جبهه متحدی که در فرآیند انقلاب شکل گرفته و نمایندگان نهادهایی که در فرآیند انقلاب و درهم شکستن دولت کهنه به وجود آمده‌اند (مانند نمایندگان شوراها و کانون‌ها و تشکلات توده‌ای) تحت رهبری حزب کمونیست، تشکیل می‌شود. شورای حکومت موقت، سرنگونی جمهوری اسلامی را اعلام و فرمان‌هایی مبنی بر اعلام سرنگونی جمهوری اسلامی و الغای نهادها و ساختارهای آن؛ حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی مردم و مقابله فوری با فقر و محرومیت را صادر کرده و بلادرنگ اجرای مفاد آن را آغاز می‌کند. در بند چهارم فرمان‌های شورای حکومت موقت آمده است که:

۴. اعلام جدایی کامل دین از دولت. لغو حجاب اجباری. اعلام ممنوعیت استفاده از دین به هر شکل در نظام قانونی، قضایی و آموزش و پرورش. لغو فوری کلیه قوانین شرعی (شرایط ازدواج و طلاق و حضانت فرزندان، محدودیت اجتماعی و هنری و علمی، چند همسری و صیغه و حق تجاوز به همسر، ازدواج کودکان، سنگسار، جداسازی جنسیتی) و قوانین مدنی که ناقض برابری کامل زنان با مردان هستند. (۵۰ و ۵۱)

در بند دوم حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی مردم آمده است:

۲- برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از عقیده، دین و مذهب، ملیت، جنسیت و گرایش جنسی، در کلیه زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و آموزش و اشتغال و بهداشت و مسکن. برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد در همه عرصه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی. ممنوعیت تن فروشی و پورنوگرافی. آزادی سقط جنین. برابری و آزادی در ازدواج و طلاق و عشق. آزاد بودن ال.جی.بی.تی.ها. ممنوعیت شیر بهاء، مهریه، جهیزیه و امثالهم؛ و در مقابل، تأمین ضمانت‌های اجتماعی برای زنان. (۵۴)

در اقتصاد سوسیالیستی بر منافع جمعی و محرک‌های جمعی تأکید می‌شود. مبارزه

برای محو کلیه تمایزات اجتماعی و مبارزه برای پیشبرد انقلاب جهانی، در سرلوحه کار قرار می‌گیرد. مبارزه افناعی برای ریشه کن کردن عادات و سنن کهنه و جهان بینی بورژوائی، عاملی تعیین کننده در حرکت آگاهانه توده‌ها برای برچیدن تمایزات اقتصادی و اجتماعی است. تشویق انترناسیونالیسم پرولتری و تبلیغ و ترویج ارزش‌هایی مانند حس تعاون داوطلبانه، نشان دادن حداکثر خلاقیت و ابتکار عمل برای پیشبرد منافع جمع، مبارزه با تفکر نخبه‌گرایی، مبارزه با قیود مردسالارانه بر زنان و مبارزه با خودپرستی ملی از محرک‌های ایدئولوژیک تولید سوسیالیستی است. (۷۹)

در امور آموزش و پرورش باید برگسترش دانش و تلاش‌های فکری ارزش گذاشت و فضا و موقعیت‌های مساعد برای آن فراهم کرد... دانشجویان (و کل مردم) باید شناخت عمیقی از واقعیت و ریشه‌های ستم، فلاکت و مصائب بی‌شماری که تحت نظام سیاسی و ایدئولوژیک و اقتصادی پیشین از سر گذرانده‌اند پیدا کنند. هم از ریشه‌های عمومی آن که در ستم و استثمار طبقاتی ریشه دارد آگاهی بیابند و هم از شکل‌ها و تبارزات خاص آن در تاریخ ایران. باید شناخت عمیقی از واقعیت و اساس همه ستم‌ها و نابرابری‌ها، همچون ستم بر زن و ستم ملی، کنده شدن دهقانان از زمین و روستا و به وجود آمدن حاشیه‌های فقر در کلان شهرها، جنگ‌های ویرانگر، تبدیل شدن کودکان به بردگان کار، نابودی محیط زیست، تن فروشی زنان و ستم بر زن و به طور کلی از کارکرد نظام سرمایه‌داری در جهان و تاریخ آن بیابند. یکی از مهمترین اهداف نظام آموزش و پرورش در این جمهوری، پرورش توانایی کسب این شناخت در دانش‌آموختگان و کل مردم است. کسب چنین شناختی آنان را مصمم و متعهد می‌کند که برای ریشه‌کن کردن این روابط در ایران و جهان مبارزه کنند. همین رویکرد در مقابله با تبعیض علیه افراد به صرف باورهای دینی‌شان، تعلق ملی‌شان، گرایش جنسی‌شان اتخاذ خواهد شد. در نظام آموزشی نوین، محتوای طبقاتی و منافع طبقاتی نهفته در پشت مردسالاری و شووینیسیم ملی و ناسیونالیسم به طور همه جانبه نقد و افشاء خواهد شد و نشان داده خواهد شد که چگونه همه این‌ها به مثابه زادخانه ایدئولوژیک طبقات ارتجاعی، به حفظ روابط ستمگرانه خدمت می‌کنند. (۱۰۱ و ۱۰۲)

سامان‌دهی خدمات درمانی ویژه زنان از جمله موارد زیر، جزئی لاینفک از سیاست بهداشت و درمان عمومی جمهوری سوسیالیستی نوین است: معاینه عمومی زنان به صورت منظم با توجه خاص به زنان روستایی، به کار گرفتن سالم‌ترین و بی‌ضررترین وسایل جلوگیری از بارداری، تأمین رایگان و در دسترس قرار دادن وسایل جلوگیری از بارداری و ترویج و تشویق مردان به استفاده از وسایل جلوگیری، پروژه تربیت گسترده پزشکان و بهیاران زن به ویژه برای معاینه و معالجه و ارایه آموزش‌های جمعی. (۱۱۱)

- زندگی انسان صرفاً محدود به تأمین نیازهای مادی و داشتن سواد پایه‌ای نیست. فرهنگ بخش مهمی از روابط میان انسان‌ها و انسان با دیگر بخش‌های طبیعت است. هنر بخشی از فرآیند فکر کردن و خلاقیت انسان است که اثرات اجتماعی عمیق دارد. سرکوب اشکال هنری خاص مانند رقص و آواز به ویژه در مورد زنان توسط جمهوری اسلامی، در سطح توده‌ای نقد خواهد شد و پایه‌های طبقاتی/ اجتماعی و ستم نهفته در آن بر ملا و افشا می‌شود. زیرا محروم کردن کسی از خلاقیت هنری و استفاده از هنر تولید شده مانند محروم کردن کسی از حرف زدن و زبان گشودن است که تأثیر مهمی بر گسترش افق فکری انسان داشته است. هنر تأثیرات شگرفی بر ذهنیت مردم در طرفداری از نظم حاکم و ارزش‌های آن، یا به زیر سوال کشیدن و شورش علیه آن دارد و میدان مهمی است که در آن نقطه نظرات و ارزش‌های ایدئولوژیک فرموله می‌شوند یا بازتاب و انتقال می‌یابند. هنر حوزه‌ای است که مبارزه ایدئولوژیک میان نقطه نظرات و ارزش‌های گوناگون و متنوع و مخالف جاری می‌شود. این کلیت شالوده و چارچوب رویکرد جمهوری سوسیالیستی نوین نسبت به فرهنگ و هنر است.

از اقدامات فوری پس از سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی نوین، اعلام آزادی بی‌قید و شرط و حمایت از نشر و تولید آثار ادبی و هنری و فرهنگی که در رژیم گذشته ممنوع بوده و به دلیل مخالفتشان با نظم کهنه سرکوب می‌شدند، است. این آثار همراه با دیگر آثاری که به روش‌های مستقیم یا غیرمستقیم در قالب فرم‌های هنری متنوع، به نقد جامعه طبقاتی و افشای

افکار و آداب کهنه نشسته و آینده‌ای عاری از تمایزات اجتماعی را تصویر می‌کنند، با حمایت حکومت در سراسر کشور در دسترس مردم گذاشته شده و به اجرا درخواهند آمد. کلیه آثاری که سابقاً به علت رقص و آواز زنان ممنوع بود، از آن جمله‌اند. اکران و اجرا آثار هنری بین‌المللی که چنین مضامینی را دارند و آثار هنری دولت‌های سوسیالیستی پیشین نیز در الویت گام‌های اول هنری و فرهنگی حکومت خواهد بود. دولت سوسیالیستی نوین با اتکاء به هنرمندان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای و دانش‌آموختگان هنر از همان ماه‌های اول استقرار دولت سوسیالیستی نوین، آثار هنری و ادبی را در سطحی که پیش از این سابقه نداشته در مناطق محروم کشور در اختیار مردم قرار خواهد داد و دسترسی به آثار هنری و آموزش هنری و خلق آثار هنری را برای کودکان و جوانان آن مناطق امکان‌پذیر خواهد کرد. (۱۱۷ و ۱۱۸)

### بخش سوم. محو ستم بر زن

۱. روابط اجتماعی پدرسالاری و مردسالاری از ستون‌های نظام تمایزات طبقاتی در طول تاریخ و سراسر جهان بوده و در ایران، در نظام جمهوری اسلامی، رژیم پیش از آن و در کلیه ادوار ماقبل سرمایه‌داری و سرمایه‌داری، بخشی از ساختار دولت دیکتاتوری طبقات استثماری و عاملی در ایجاد انسجام در نظام اجتماعی ستم‌گرانه طبقات حاکم بوده است. به همین علت، بدون مبارزه علیه کلیه شکل‌های روابط پدرسالاری و مردسالاری، نابرابری و تبعیض علیه زنان، بدون درگیر شدن میلیونی زنان در فرآیند انقلاب سوسیالیستی، سرنگونی جمهوری اسلامی به نحوی که به استقرار دولت سوسیالیستی نوین بینجامد، ممکن نبود. با استقرار دولت سوسیالیستی نوین، مبارزه برای ریشه کن کردن نهایی ستم بر زن، قوه محرکه تعیین‌کننده‌ای در پیش برد انقلاب در دوران گذار سوسیالیستی به سمت هدف نهایی کمونیسم در سراسر جهان است.

۲. در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی نوین در ایران، شورای حکومت موقت، طی فرمان‌هایی، نهادهای سرکوب و کنترل زنان

مانند نهادهای گشت ارشاد و سازمان امر به معروف و نهی از منکر و غیره را منحل و غیرقانونی کرد. فرمان الغای حجاب اجباری و کلیه قوانین شرعی را صادر و برابری زن و مرد در کلیه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و در زندگی مشترک را اعلام کرد. قوانین مدنی که پیشتر ناقض برابری کامل زنان با مردان بودند را ملغی و برابری کامل زنان، برقراری حقوق و آزادی‌هایی که برای رهایی زنان حیاتی هستند (مانند آزادی تولید مثل و حق سقط جنین و کنترل بارداری) را اعلام کرد. اکنون، این قانون اساسی با تاکید بر آن فرمان‌ها اعلام می‌کند:

۲. الف- زنان در کلیه امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، آموزشی، ورزشی برابر با مردان هستند. دستمزد، حقوق و مزایای برابر در مقابل کار برابر برای زنان و مردان از اصول تخطی‌ناپذیر برابری زن و مرد در این جمهوری است. آنان در چارچوب این قانون اساسی، از حقوق برابر با مردان در زمینه شرکت در بالاترین مراجع قدرت سیاسی کشور و مناطق و نواحی خودمختار، شوراهای سندیکاها و در کلیه سطوح دیگر، در نهادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی برخوردارند. قانون از حقوق فردی آنان، حق تعیین سرنوشت‌شان، مستقل از خانواده، مردان خانواده، طایفه و ساختارهای دینی حفاظت می‌کند و در هر کجا که ضروری است، قوانین و مقررات منبث از این قانون اساسی برای مجازات هرگونه ایجاد سد و مانع در برخورداری زنان از این حقوق، تدوین خواهد شد.

۲. ب- تجاوز و آزار و اذیت خیابانی زنان، ایجاد جو ترس در جامعه برای ممانعت از فعالیت و رفت و آمد آزادانه زنان، در زمره جرائم جدی کشور محسوب شده و شامل مجازات قانونی، در چارچوب این قانون اساسی است.

۲. ج- بر اساس این قانون اساسی، قوانینی به نفع زنان در مورد ازدواج و طلاق تدوین شده است. این مفاد دارای محتوی تبعیض مثبت، در خدمت به اصل برابری زن و مرد هستند. زیرا تأمین برابری، گاه به ناگزیر نیازمند قوانین نابرابر است. مفاد تبعیض‌آمیز نسبت به مردان در قانون نوین ازدواج و طلاق و سایر عرصه‌ها بر این پایه استوار است.

۲. د- قانون نوین، ازدواج و طلاق را بر پایه برابری زن و مرد، مقابله با تمایزات و

تبعیضات اجتماعی و آداب و سنن منسوخ، و با جهت‌گیری الویت دادن به منافع زنان و فرزندان تدوین می‌کند که شامل نکات زیر است و عدول از این‌ها، مصادیق جرم هستند و طبق قانون اساسی، و قوانین دیگر که خود در تطابق با قانون اساسی هستند، با آن‌ها برخورد خواهد شد.

- ازدواج اجباری، ازدواج کودکان، چند همسری، صیغه و دیگر اشکال بردگی جنسی زنان، معاینه تست بکارت، ناقص‌سازی جنسی زنان ممنوع بوده و طبق قانون با آن‌ها برخورد خواهد شد.

- شیر بهاء، مهریه، جهیزیه و امثالهم ممنوع است.

- ازدواج بر مبنای انتخاب آزادانه طرفین برای زنان و مردانی که به سن ۱۸ سالگی رسیده‌اند مجاز است. مداخله طرف سوم ممنوع است.

- ازدواج می‌تواند در دفاتر ویژه دولتی، بدون تاخیر و هزینه و صرفاً با رایه گواهی سلامت پزشکی که به طور رایگان در تمام مراکز درمانی در دسترس است، ثبت شود. کسانی که خواهان زندگی مشترک بدون ثبت رسمی هستند نیز از حقوق مربوط به خانواده برخوردار بوده و هرگونه تبعیض علیه فرزندان که خارج از ازدواج ثبت شده متولد می‌شوند، جرم است.

- هر فرد بالغی حق دارد، خارج از قیود خانواده و ازدواج رسمی، با هر فرد بالغ دیگر، روابط جنسی داشته باشد.

- طلاق با رضایت طرفین صادر می‌شود. در صورتی که زن مایل به طلاق نباشد، مرد در دوران بارداری زن و تا یک سال بعد از تولد بچه حق تقاضای طلاق ندارد. پس از طلاق حق سرپرستی فرزند متعلق به مادر است اما به معنای آن نیست که مادر باید آن را بپذیرد. تأمین نیمی از هزینه ضروری معاش و تحصیل فرزند یا فرزندان بر عهده پدر است. در صورتی که مادر از عهده نیم دیگر بر نیاید، دولت موظف است این مسئولیت را بر عهده بگیرد.

- ضرب و شتم زنان خانواده، تجاوز شوهر به زن، بدرفتاری و تبعیض در مورد فرزندان که نتیجه ازدواج قبلی هر یک از طرفین هستند، ممنوع و مصداق جرم

است.

- آمرین و عاملین قتل‌های ناموسی، طبق اصول مدون در این قانون اساسی، به شدت مجازات خواهند شد.

- فحشاء ممنوع و پورنوگرافی جرم است.

۲. این جمهوری موظف است ضمانت‌های اجتماعی لازم برای حفظ استقلال زنان و اعمال حق برابر زنان را فراهم کند. مجلس قانونگذار مرکزی در چارچوب قانون اساسی، قوانینی با در نظر گرفتن مسائل خاص مربوط به زنان را به تصویب می‌رساند. از جمله تأمین شرایط کاری سبک‌تر به هنگام عادت ماهانه و زایمان و منوپوز برای زنان و تأمین دوره‌های استراحت و مرخصی ویژه. ایجاد تسهیلات ضروری برای شیرخوارگاه، مهد کودک و مراکز نگهداری از کودکان پس از ساعات مدرسه. مجالس قانون گذار مناطق و نواحی نیز با توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای، قوانین دیگری را در چارچوب این قانون اساسی، و در راستای ایجاد ضمانت‌های اجتماعی لازم برای اعمال استقلال و برابری زنان در همه عرصه‌های جامعه، می‌توانند تصویب کنند. در تقویت این سیاست، دولت ایجاد تشکلات ویژه زنان، انتشار مطبوعات و یژه زنان را تشویق و حمایت می‌کند.

۳. شورای مرکزی اجرایی، موظف است با اتکاء به شورای آموزش و پرورش، فوراً محتوای دین سالارانه، مردسالارانه و همجنس‌گرا ستیزانه را از دروس و منابع آموزشی، از برنامه‌های رسانه‌های گروهی و از زبان گفتاری و نوشتاری پاک کند. در این راستا، شورای آموزش و پرورش موظف است برنامه‌هایی برای دامن زدن به نقد ریشه‌ای ایده‌ها و سنن و آثار فرهنگی کهنه که مضمون زن‌ستیزانه دارند، تهیه کند. شورای امور فرهنگ و هنر، موظف است توجه خاص به آثار ادبی و هنری زنان کرده و معرفی این آثار را در برنامه‌های آموزش و پرورش بگنجانند. شورای آموزش عالی موظف است در زمینه‌های پژوهش علمی و نوآوری فنی برای دانشجویان زن که مایل به ورود به عرصه‌های گسترده‌تر و عالی‌تر علم و فن‌آوری هستند، به طور خاص راهگشایی کند.

۴. تضمین اشتغال از حقوق پایه‌ای زنان در این جمهوری است. اشتغال زنان و

دستمزد برابر در مقابل کار برابر، ایده کهنه برتری مرد و فرودستی زن را زیر سوال می‌کشد و امکان آن را به وجود می‌آورد که زنان هر چه بیشتر از چهاردیواری خانه خارج شده و به کار و آموزش بپردازند، آگاهی طبقاتی خود را بالا ببرند و درگیر مبارزات حیاتی سیاسی و ایدئولوژیک شوند.

۵. اصل دستمزد برابر در برابر کار برابر از اصول سوسیالیستی است. اعمال این اصل، تمایزات میان زنان و مردان را تا حدی کم خواهد کرد. اما توانایی‌ها و نیازهای معیشتی افراد متفاوت است. علاوه بر این، حتا در جمهوری سوسیالیستی نوین، مردان تا مدت‌ها از بقایای روابط اجتماعی و افکار کهنه به جا مانده از جامعه قبلی منتفع خواهند شد. از جمله، در زمینه تقسیم کار نابرابر خانگی. این امتیازها، مردان را در موقعیت برتر اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دهند. محدود کردن امتیازاتی که از اعمال «دستمزد برابر در برابر کار برابر» نصیب مردان می‌شود در چارچوب پیش برد جنبش تعمیق سوسیالیسم که در مرکز آن «محدود کردن حق بورژوازی» و مبارزه برای استقرار کمونیسم جهانی قرار دارد ممکن خواهد بود. دولت سوسیالیستی موظف است، در چارچوب این قانون اساسی و تاکید بر این افق، جنبش زنان را در مبارزه برای کاهش اختلاف دستمزدها و محدود کردن طبقه‌بندی دستمزد تشویق و حمایت کند. این خود یکی از موضوعات مهم مبارزه‌ای است که بر سر تحدید یا توسعه حق بورژوازی میان راه پرولتری پیشروی به سمت کمونیسم و راه بورژوازی بازگشت به سرمایه‌داری، در جامعه سوسیالیستی به راه خواهد افتاد.

۶. محو کامل ستم بر زن بدون زوال نهاد خانواده ممکن نیست. زیرا خانواده نیز مانند دولت، در نتیجه ظهور مالکیت خصوصی و تمایزات طبقاتی به وجود آمد. این نهاد آغازی داشته و پایانی هم خواهد داشت. روند زوال خانواده روندی طولانی است و به موازات پیشروی به سمت استقرار نظام کمونیستی ممکن می‌شود. در جمهوری سوسیالیستی نوین ایران، نهاد خانواده ناپود نمی‌شود اما تغییرات مهمی در آن صورت می‌گیرد.

- در جمهوری سوسیالیستی نوین، در خانواده، زن تابع شوهر نیست. والدین اقتدار مطلق بر فرزندان ندارند. نهاد و واحد خانواده، نقش تولیدی در جامعه ندارد و به موازات وسیع‌تر و عمیق‌تر شدن تحولات انقلابی در روابط تولیدی و اجتماعی

و افکار مردم، وظایفی مانند پرورش نسل جدید و مراقبت از سالمندان، و دیگر نقش‌های سنتی، تبدیل به وظایف اجتماعی می‌شوند و خانواده نقش توزیع و مصرف درآمد را نیز از دست می‌دهد.

- در خدمت به دگرگون کردن جایگاه زن در خانواده و تغییر نقش نهاد خانواده، همراه با شروع اشتراکی کردن اقتصاد در شهر و روستا، پروسه اشتراکی کردن گام به گام اموری که سنتا بر عهده خانواده بوده، آغاز می‌شود. شوراهای محلات شهری و روستاها، بازوی پیشبرد اشتراکی کردن در این عرصه‌ها هستند.

- در روستاها اشتراکی کردن کشاورزی، ارکان نظام خانواده پدرسالار را تضعیف می‌کند و تقسیم کار سنتی بین زن و مرد در خانواده را بر هم می‌زند. نقش تعیین‌کننده‌ای که اشتراکی کردن در تحرک اجتماعی و آزاد کردن نیروی نهفته و امر رهایی زنان بازی می‌کند، زنان را در صف مقدم مبارزه برای تبدیل تولید کشاورزی به کشاورزی اشتراکی و دیگر پیشروی‌های سوسیالیستی قرار می‌دهد.

۷. در جمهوری اسلامی سهم زنان روستایی و عشایری از مالکیت بر زمین‌های کشاورزی ایران تنها یک درصد بود و زنان درگیر در کار کشاورزی، عمدتاً کارگران بی‌مزد اراضی خانواده و طایفه بودند. با استقرار جمهوری سوسیالیستی نوین و اجرای قانون تقسیم اراضی در چارچوب ماده چهارم از این قانون اساسی، این زنان به طور فردی، صاحب اراضی کشاورزی، دام و آب شده و در چارچوب اقتصاد برنامه‌ریزی سوسیالیستی درگیر در تولید کشاورزی می‌شوند. آن‌ها مانند گذشته نقش تعیین‌کننده در تهیه غذا و نگاه‌داری غلات و حبوبات و باغات میوه و تأمین پروتئین اهالی کشور، ذخایر اضطراری، بازی می‌کنند، اما این بار در چارچوب روابط اقتصادی و اجتماعی بنیاداً متفاوت و روابط اجتماعی بنیاداً متفاوت در خانواده و میان زن و مرد. به حکم قانون و پشتوانه آن، حکومت‌های منطقه‌ای و شوراها و تعاونی‌ها و کمون‌ها تضمین می‌کنند که زنان نقش مهم در برنامه‌ریزی اقتصادی تعاونی‌ها و کمون‌ها، در شوراهای حوزه جغرافیایی مربوطه، در راه‌اندازی صنایع روستایی و ... و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایفا کنند و زنان روستایی و زنان مناطق خودمختار، نقش تعیین‌کننده‌ای در اداره حکومت‌های محلی و خودمختار داشته باشند.

۸. سیاست حکومت، تشویق زنان و مردان به متشکل شدن و به راه انداختن کارزارهای ویژه مبارزه با روابط و افکار کهنه در مورد زنان، در شهر و روستا، در محیط کار و محل زندگی است. این تشکلات، بازوی مهمی برای اعمال اصول قانون اساسی و مرجع مهمی برای مجلس قانونگذار و شورای مرکزی اجرایی در زمینه وارد آوردن ضربات بیشتر بر ستم بر زن خواهند بود. اما تشکلات زنان دیگری که منتقد این قانون و دولت حاکم هستند نیز، تشویق به این نوع فعالیت می‌شوند.

۹. این‌ها حقوق و اقداماتی هستند برای گسستن زنجیرهای هزاران ساله ستم بر زن و رها کردن نیرو، استعداد و قدرت ابتکار و خلاقیت زنان در خدمت به محو آن فرآیند تاریخی-جهانی که همراه با تمایزات طبقاتی ستم بر زن را به وجود آورده و در عین حال خدمت به پیش برد انقلاب کمونیستی در جهان.

۱۰. هیچ شکل از رفتار جنسی غیرقانونی نیست. ال.جی.بی.تی. کیوها از کلیه حقوق شهروندی برخوردار هستند. از جمله، ازدواج قانونی و فرزند خواندگی. با هموفوبیا و فرهنگ تحقیر گرایش‌های جنسی متفاوت، مبارزه خواهد شد. (۱۸۳-۱۹۴)

برنامه تقسیم اراضی و ایجاد قطب‌های کشاورزی در چارچوب توسعه اقتصاد برنامه‌ریزی شده سوسیالیستی قرار دارد. برای جبران خلع مالکیت‌های ناعادلانه کشاورزان در رژیم پیشین، و نابودی اقتصاد زراعی به ویژه در مناطق ملل تحت ستم و همچنین نابودی بقایای روابط فئودالی، از جمله در رابطه با زنان، حکومت جمهوری سوسیالیستی نوین، در چارچوب توسعه برنامه‌ریزی شده اقتصاد سوسیالیستی، برنامه تقسیم اراضی را پیش می‌برد. (۲۲۶)

... در کلیه بهره‌برداری‌هایی که بر نیروی کار خانواده متکی است و زنانی که روی این زمین کار می‌کنند ولی صاحب زمین نیستند، از این بیگاری آزاد می‌شوند و مانند دهقانان زمین‌های بزرگ که در آن‌ها از روابط استعمار ماقبل سرمایه‌داری استفاده می‌شد، می‌توانند طبق طرح تقسیم اراضی کشاورزی زمین دریافت کنند. در این صورت زنانی که با دریافت زمین تبدیل به زارعین مستقل کوچک شده‌اند، تشویق خواهند شد وارد تعاونی‌ها شوند و در چارچوب برنامه‌ریزی مرکزی دولتی،

به بهره‌برداری از زمین‌های‌شان بپردازند. چنانچه این زنان نخواهند مالک شوند می‌توانند در یکی از قطب‌های کشاورزی که تحت مالکیت همگانی-دولتی است کار کنند و دستمزدی برابر با مردان دریافت کنند. زنان روستایی و زارع، تشویق خواهند شد در راستای مبارزه با قیود پدرسالاری و مردسالاری و عشیره و طایفه و دین، شوراهای خود را که موضوع آن به طور ویژه تضمین برابری و آزادی زنان است تشکیل دهند. (۲۲۷-۲۲۸)

در بند ۱۰ و ۱۱ بخش ششم با عنوان اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بر برنامه‌ریزی جامع آمده است:

۱۰. اقتصاد سوسیالیستی نیازهای خاص زنان را در نظر می‌گیرد و در عین ممنوعیت تبعیض علیه زنان، روند دگرگون کردن کلیه روابط، ارزش‌ها و شیوه تفکر پدرسالارانه را با این هدف که در نهایت کلیه این نوع روابط، ارزش‌ها و شیوه‌های تفکر از بین بروند و رهایی کامل زنان به دست آید، تقویت می‌کند.

۱۱. در سوسیالیسم، بسیج سیاسی، شریان حیاتی کار اقتصادی است. کارخانه‌ها و مزارع اشتراکی تبدیل به دانشگاه مبارزه طبقاتی می‌شوند. توده‌ها از طریق فعالیت‌های سیاسی و ایدئولوژیک در مراکز کار و در کل جامعه، امکان اعمال حاکمیت و احاطه بر کلیه امور را می‌یابند. برای اینکه توده‌ها بتوانند مضمون و اهداف طبقاتی سیاست‌های اقتصادی مختلف را تشخیص دهند، باید در مورد کلیه امور زیربنایی و روبنایی جامعه، مبارزه و دخالت‌گری کنند. دولت سوسیالیستی از طریق به راه انداختن کارزارهای سیاسی و ایدئولوژیک، توده‌های مردم به ویژه کارگران، زنان، مردم مناطق خودمختار، مهاجرین مقیم کشور را برمی‌انگیزد تا هر چه وسیع‌تر و عمیق‌تر در مباحث مربوط به برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه سوسیالیستی نقش گرفته، آگاهانه و داوطلبانه در به اجرا درآوردن این برنامه‌ها با تمام قوا شرکت جویند. (۲۳۹)

در بند ۴ بخش هشتم با اشتغال و کار، بافت اجتماعی و رابطه شهر و روستا

۴. اماکن کار صرفاً واحدهای تولیدی نیستند. محل کار، میدان سیاست، ایدئولوژی و فرهنگ است و میدان مبارزه برای نوسازی جامعه است. مسایل حیاتی، از امور بین‌المللی تا سیاست‌های آموزشی و مبارزه برای از بین بردن نابرابری‌های ملی و رهایی زنان باید در این اماکن مورد بحث و بررسی قرار گیرند. (۲۴۲)

ماهیت جامعه سوسیالیستی، در حال گذار بودن آن است. به این معنی که بشریت در حال نقل مکان به نظام اجتماعی دیگر یعنی کمونیسم جهانی است. اکثریت مردم در پیروزی انقلاب کمونیستی و استقرار سوسیالیسم با هدف رسیدن به جامعه کمونیستی جهانی، ذینفع هستند، اما این امر بسیار متناقض است. زیرا از یک طرف، جامعه سوسیالیستی شالوده و اساس سرمایه‌داری را برهم زده و نظام اجتماعی کاملاً متفاوتی را برقرار می‌کند که در آن هر کس به عنوان دارنده کالایی (از جمله کالایی به نام نیروی کار) با دیگران روبه‌رو نمی‌شود و روابط اجتماعی میان مردم بر مبنای منافع متضاد و متخاصم برقرار نمی‌شود، محیط زیست غارت و نابود نمی‌شود، زنان تحت سلطه مردان نیستند و در روابط میان انسان‌ها ملیت، مذهب و تفاوت‌های دیگر مانند رفتار جنسی، رجحان و برتری یکی بر دیگری محسوب نمی‌شود. اما از طرف دیگر، توده‌های مردمی که در این انقلاب و استقرار جامعه سوسیالیستی ذینفع هستند، به طبقات و قشرهای مختلف تحت استثمار و ستم تقسیم شده‌اند و بخش بزرگی از آن‌ها متعلق به خرده بورژوازی هستند. با استقرار سوسیالیسم، این تمایزات و افکار تولید شده توسط آن‌ها یک شبه از میان نخواهند رفت و حتا پس از گسست اولیه از روابط ستم و استثمار، تمایزات میان مردم و نیروی عادت به روابط و افکار قدیم تا مدت‌ها دوام خواهد داشت. به طور مثال در سوسیالیسم، آحاد جامعه به نسبت کارشان، از تولیدات جامعه بهره‌مند می‌شوند و نه بر حسب نیازشان. همین امر، رده‌بندی‌های متفاوت دستمزدی را ایجاد می‌کند. هنوز تمایزات میان کسانی که در تولید مستقیم درگیر کار بدنی هستند با کسانی که درگیر در کار فکری هستند، میان زن و مرد، میان مناطق گوناگون از میان نرفته است. سهولت یا سختی فرآیند از بین بردن آثار و تمایزات برجای مانده از جامعه کهنه، با پیشروی انقلاب کمونیستی در جهان، نسبت مستقیم خواهد داشت.

در چنین وضعیتی قانون اساسی یک دولت سوسیالیستی (و نهادها، ساختارها و پروسه‌های حکومتی شکل گرفته توسط آن) از یک طرف باید سمت اساسی سوسیالیسم یعنی، از بین بردن چهار کلیت (کلیه تمایزات طبقاتی، کلیه روابط تولیدی که این تمایزات را تولید می‌کنند، کلیه تمایزات اجتماعی که برخاسته از این روابط تولیدی‌اند و کلیه افکار کهنه که از این روابط محافظت کرده و آن‌ها را تقویت می‌کنند) را حفظ کند. از طرف دیگر، باید وجود تمایزات و نابرابری‌های به ارث رسیده از جامعه کهنه را به حساب آورد و «حاکمیت قانون» نیز باید در قانون اساسی دولت سوسیالیستی تعبیه شده و به طور برابر در مورد تک تک افراد جامعه به کار برده شود.

در دوران گذار بزرگترین چالش این است که جامعه زیر فشارهای گوناگون به سمت احیای سرمایه‌داری عقب‌گرد نکرده و هم‌زمان به سمت آن هدف نهایی به پیشروی ادامه دهد. فشارها برای بازگشت به عقب از جهات گوناگون وارد می‌شوند. چنانکه به تجربه دیده‌ایم، جوامع سوسیالیستی در جهانی پای به عرصه وجود می‌گذارند که عمدتاً در سیطره نظام جهانی سرمایه‌داری است و این عامل خارجی مرتباً تبدیل به چالشی داخلی می‌شود. نه فقط به شکل تهدید موجودیت کشور سوسیالیستی توسط دولت‌های امپریالیستی و ارتجاعی بلکه به شکل تضاد میان دو نظام اجتماعی بنیاداً متفاوت که درهم تداخل کرده و ماحصل نمی‌تواند چیزی جز بلعیده شدن یکی توسط دیگری باشد. دولت سوسیالیستی باید در حین تلاش برای محدود کردن تمایزات برجای مانده از گذشته، سیطره سرمایه‌داری جهانی را به چالش گرفته و پایگاه گسترش انقلاب کمونیستی در جهان باشد. بنابراین در دوران گذار کماکان مواجه هستیم با تمایزات و نابرابری‌ها و افکار و عادات برجای مانده از گذشته و بازتولید جدید آن‌ها تحت تأثیر این «پسماندها» و تأثیرات جهانی که هنوز سرمایه‌داری در آن سلطه دارد.

دولت سوسیالیستی، سیاست انترناسیونالیسم پرولتری را ترویج کرده و با تکیه بر قدرت دولتی و آگاهی توده‌ها آن را پیش خواهد برد. سیاست انترناسیونالیسم پرولتری، جزیی جدایی‌ناپذیر از کل فرآیند انقلاب ما از امروز تا پیروزی و در

تمام دوران گذار سوسیالیستی است. در تمام فرآیند انقلاب سوسیالیستی و قبل از پیروزی و استقرار جمهوری سوسیالیستی نوین ایران، یکی از فعالیت‌های مهم ما این خواهد بود که بخش بزرگی از پرولتاریا و مردم تحت ستم و زنان و جوانان در کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی و در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، با خصلت این انقلاب و دولتی که در نتیجه پیروزی آن استقرار خواهد یافت آشنا شوند و آن را به عنوان پایگاهی برای حرکت به سوی آینده کمونیستی در سراسر جهان بشناسند و بر این مبنا، آن را متعلق به خود بدانند. در نتیجه چنین فعالیتی، هنگامی که جمهوری سوسیالیستی نوین ایران در محاصره و یا تعرض امپریالیست‌ها و دولت‌های مرتجع دیگر قرار گیرد، مردم اقصی نقاط جهان به ویژه در نقاطی که احزاب کمونیست انقلابی موجودند، با تعرضات دولت‌ها و بورژوازی آن کشورها علیه این دولت سوسیالیستی نوین، مقابله خواهند کرد. چنانچه پیشاپیش یک یا گروهی از دولت‌های سوسیالیستی در جهان شکل گرفته باشند، یا اگر هم زمان در یک یا گروهی از این کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نیز انقلاب سوسیالیستی به پیروزی برسد، این چالش عظیم، ساده‌تر و سریع‌تر جواب خواهد گرفت. (۱۸-۲۲)

انتشارات حزب کمونیست ایران (مارکسیست لنینیست مائوئیست)